

مهم

رندی حرکت دائمی است را ادامه می دهد ، زمان با نظم و خون سردی همگی است
که گذرد - قطار راه ما آمد و باز هم من با فر ابا و پسران بهت زده ایستادم و گویا از تو
جدا می سازد . اما لرزنی دیدار دوباره است همیشه در دلم سینه در است زرد
لرزنی رندی که رویه بودم بنشینم و هر چه در دل دارم ، از لایحه برایم بازگویم
به امید آن روز !

۱۸

زلاله

